

راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

فیلم آموزشی

۱. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر درس QR-Code های صفحه بعد را اسکن کنید.
۲. در هر درس مطالب کتاب درسی به طور کامل تدریس شده است.

گام

اول

درسنامه آموزشی

۱. ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
۲. ارائه واژگان درس به همراه مترادف، متضاد، مشابه و جمع مکسر از متن درس و تمرین‌ها
۳. آموزش کامل قواعد هر درس بر اساس چارچوب کتاب درسی به همراه مثال
۴. ارائه قواعد تکمیلی با عنوان «ویژه علاقمندان» برای دانش‌آموزان علاقمند که مطالعه آن‌ها برای امتحانات ضروری نیست.
۵. ارائه سؤالات تشریحی به همراه پاسخ در آموزش قواعد
۶. ارائه مکالمه و پاسخ به تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه کلیه تمرین‌ها

گام

دوم

پرسش‌های تشریحی

۱. ارائه سؤالات امتحانی در تیپ‌های مختلف
۲. ارائه پاسخ تشریحی به سؤالات
۳. ارائه سه نمونه امتحان نوبت اول و نوبت دوم منطبق بر استاندارد آموزش و پرورش با پاسخ تشریحی

گام

سوم

بازمبندی درس عربی یازدهم

نوبت اول	نوبت دوم	مهارت‌های زبانی
۲	۲	مهارت واژه‌شناسی
۷	۷	مهارت ترجمه به فارسی
۷/۵	۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
۳	۳	مهارت درک و فهم
۰/۵	۰/۵	مهارت مکالمه
۲۰	۲۰	جمع

فهرست مطالب

درسنامه آموزشی

٩ **الدَّرْسُ الْأَوَّلُ**
مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي
سُوقِ مَشْهَدٍ

٢٣ **الدَّرْسُ الثَّانِي**
فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

٣٥ **الدَّرْسُ الثَّلَاثُ**
عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ + حِوَارٌ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ

٤٦ **الدَّرْسُ الرَّابِعُ**
آدَابُ الْكَلَامِ + الْجَمَلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ

٥٧ **الدَّرْسُ الْخَامِسُ**
الْكَذْبُ مِفْتَاحٌ لِكُلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + حِوَارٌ
فِي الصَّيْدَلِيَّةِ

٦٧ **الدَّرْسُ السَّادِسُ**
أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلٍ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

٧٨ **الدَّرْسُ السَّابِعُ**
تَأْثِيرُ اللَّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ
+ حِوَارٌ مَعَ الطَّبِيبِ



FILM

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

145 min	ترجمه
113 min	قواعد
49 min	تمارين

الدَّرْسُ الثَّانِي

88 min	ترجمه
61 min	قواعد
44 min	تمارين

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

91 min	ترجمه
43 min	قواعد
53 min	تمارين

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

73 min	ترجمه
48 min	قواعد
48 min	تمارين

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

86 min	ترجمه
37 min	قواعد
38 min	تمارين

الدَّرْسُ السَّادِسُ

89 min	ترجمه
59 min	قواعد
49 min	تمارين

الدَّرْسُ السَّابِعُ

100 min	ترجمه
43 min	قواعد
44 min	تمارين

پرسش‌های تشریحی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

٨٩ مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي سَوْقِ مَشْهَدٍ

الدَّرْسُ الثَّانِي

٩٥ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

١٠٠ عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ + حِوَارٌ فِي الْمَلْعَبِ الرَّيَاضِيِّ

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

١٠٧ آدَابُ الْكَلَامِ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

١١٢ الْكِذْبُ مِفْتَاحٌ لِكُلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + حِوَارٌ فِي الصَّيْدَلِيَّةِ

الدَّرْسُ السَّادِسُ

١١٧ أَنَّهُ مَارِي شِمِيلٍ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

الدَّرْسُ السَّابِعُ

١٢٢ تَأْثِيرُ اللَّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ + حِوَارٌ مَعَ الطَّبِيبِ

١٢٧ أَرْمُونَ (١): امْتِحَانِ نَوْبَتِ أَوَّلِ (مِيَانِ سَالِ)

١٣٠ أَرْمُونَ (٢): امْتِحَانِ نَوْبَتِ دَوْمِ (پَايَانِ سَالِ)

١٣٣ أَرْمُونَ (٣): امْتِحَانِ نَوْبَتِ دَوْمِ (پَايَانِ سَالِ)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



درس یکم

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا﴾	الَّذِينَ	آمَنُوا	لَا يَسْخَرُوا	قَوْمٌ	مِنْ	قَوْمٍ
ای	کسانی که	ایمان آوردند	نباید مسخره کنند	قوم	از	قوم

ای کسانی که ایمان آوردید نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کنند

عَسَى	أَنْ يَكُونُوا ^۱	خَيْرًا ^۲	مِنْهُمْ	وَ	لَا	نِسَاءً	مِنْ	نِسَاءٍ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	نه	زنان	از	زنان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنانی [دیگر را مسخره کنند].

عَسَى	أَنْ يَكُنَّ	خَيْرًا	مِنْهُمْ	وَ	لَا تَلْمِزُوا ^۳	أَنْفُسَكُمْ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	عیب نگیرید	خودتان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید

وَ لَا تَتَّبِعُوا بِالْأَلْقَابِ	بِئْسَ	الِاسْمُ	الْفُسُوقُ	بَعْدَ	الْإِيمَانِ
و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید	[چه] بد است	نام	آلوده شدن به گناه	بعد	ایمان

و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان [به خدا] نام آلوده شدن به گناه [چه] بد است [چه نام بدی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان]

وَ	مَنْ	لَمْ يَتُبْ	فَأُولَئِكَ	هَمُّ	الظَّالِمُونَ*	يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا
و	هر کس	توبه نکرد	پس آنان	همان	ستمکاران	ای	کسانی که	ایمان آوردند

و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند، ای کسانی که ایمان آوردید

اجْتَنِبُوا ^۴	كثيْرًا	مِنْ	الظَّنِّ	إِنَّ	بَعْضَ	الظَّنِّ	إِثْمٌ
بپرهیزید، دوری کنید	بسیار	از	گمان	به راستی	برخی	گمان	گناه

از بسیاری از گمان [ها] بپرهیزید به راستی برخی گمان [ها] گناه هستند.

وَ	لَا تَجَسَّسُوا	وَ	لَا يَغْتَابَ	بَعْضُكُمْ	بَعْضًا
و	جاسوسی نکنید	و	نباید غیبت کند	برخی از شما	برخی

و جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید (نباید برخی از شما غیبت برخی [دیگر] را کنند).

أَيُّ	يُحِبُّ	أَحَدَكُمْ	أَنْ يَأْكُلَ	لَحْمَ	أَخِيهِ	مَيْتًا
آیا	دوست دارد	یکی از شما	که بخورد	گوشت	برادرش	مرده

آیا یکی از شما (کسی از شما) دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ	وَ	اتَّقُوا	اللَّهَ	إِنَّ	اللَّهَ	تَوَّابٌ ^۵	رَحِيمٌ ^۶ (الْحَجَرَات: ۱۱ و ۱۲)
پس آن را ناپسند داشتید	و	پروا کنید	خدا	به راستی، بی‌گمان	خدا	بسیار توبه‌پذیر	مهربان

پس آن را ناپسند داشتید و از خدا پروا کنید بی‌گمان خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مَنْ	هُوَ	أَحْسَنُ ^۷	مِثًا،
گاهی، شاید	می‌باشد	میان	مردم	کسی که	او	بهتر، بهترین	از ما

گاهی (شاید) میان مردم کسی می‌باشد (باشد) که او بهتر از ماست،

فَعَلَيْنَا	أَنْ نَبْتَدِعَ	عَنِ	الْعُجْبِ	وَ	أَنْ لَا نَذْكَرَ	غِيُوبَ	الْآخَرِينَ	بِكَلَامٍ	خَفِيِّ	أَوْ	بِإِشَارَةٍ.
پس ما باید، برماست	که دوری کنیم	از	خودپسندی	و	یاد نکنیم	عیب‌ها	دیگران	به سخن	پنهان	یا	با اشاره

پس ما باید (بر ما لازم است) از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۱. «لَا يَسْخَرُوا» فعل نهی سوم شخص ترجمه ← نباید + مضارع التزامی

۲. «أَنْ يَكُونُوا (أَنْ) + فعل مضارع) ترجمه ← که + مضارع التزامی

۳. «خَيْرًا» اسم تفضیل است. ترجمه ← امر منفی

۴. «اجْتَنِبُوا» فعل امر دوم شخص است.

۵. «أَحْسَنُ» اسم تفضیل است.

۶. جمله شرطیه است و جمله «فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» جواب شرط است.

۷. «تَوَّابٌ» بر وزن فَعَالٍ، اسم مبالغه است.

فَقَدْ قَالَ ^۱	أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>	«أَكْبَرُ ^۲ »	الْغَيْبِ	أَنْ تَعِيبَ	مَا	فِيكَ	مِثْلَهُ ^۳ .
پس گفته است	امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small>	بزرگ‌ترین	عیب	که عیب‌دار کنی	آن‌چه	در تو	مانند آن

پس امیرمؤمنان علی علیه السلام گفته (فرموده) است: «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در توست را عیب‌دار کنی (عیب بشماری)».

تَنْصَحُنَا	الْآيَةَ ^۴	الْأُولَى ^۲	وَ	تَقُولُ:	لَا تَعِيبُوا	الْآخِرِينَ ^۴ .
ما را پند می‌دهد	آیه	اول	و	می‌گوید	عیب‌جویی نکنید	دیگران

آیه اول ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید

وَ	لَا تَلْقُبُوهُمْ	بِالْقَابِ	يَكْرَهُونَهَا.	بِشَسْ	الْعَمَلُ	الْفُسُوقِ!
و	آنان را لقب ندهید	با لقب‌ها	آن را ناپسند می‌دارند	[چه] بد است	کار	آلوده شدن به گناه

و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است!

وَ	مَنْ ^۵	يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنْ	الظَّالِمِينَ.
و	هر کس	انجام می‌دهد	آن	پس او	از	ستمکاران

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ	فَقَدْ حَرَّمَ	اللَّهُ	تَعَالَى	فِي	هَاتَيْنِ	الْأَيَّتَيْنِ:
بنابراین	پس حرام کرده است	خدا	بلندمرتبه	در	این دو	دو آیه

بنابراین خدای بلندمرتبه در این دو آیه [آن‌را] حرام کرده است:

-	الْإِسْتِهْزَاءُ ^۶	وَ	تَسْمِيَتِهِمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ.
ریشخند کردن	دیگران	و	نامیدن آنان	به نام‌ها	زشت

- ریشخند کردن دیگران و نام دادن (نامیدن) آنان با نام‌های زشت

-	سَوْءَ الظَّنِّ،	وَ	هُوَ	أَتِهَامٌ	شَخْصٍ	لِشَخْصٍ	آخَرَ	بِدُونِ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ.
بدگمانی	و	آن	تهمت‌زدن	شخص	به شخص	دیگر	بدون	علت،	دلیل	منطقی

- بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص (شخصی) به شخص دیگر بدون علتی منطقی است.

-	التَّجَسُّسُ،	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةٌ	قَبِيحَةٌ	لِكَشْفِ	أَسْرَارِ	النَّاسِ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاش	زشت	برای کشف	رازها	مردم	

- جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم است

لِفَضْحِهِمْ	وَ	هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ الذُّنُوبِ	فِي	مَكْتَبِنَا	وَ	مِنْ	الْأَخْلَاقِ	السَّيِّئَةِ.
برای رسوا کردن آنان	و	آن	از	گناهان بزرگ	در	مکتب ما	و	از	اخلاق	زشت

برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است.

-	وَ	الْغَيْبَةِ،	وَ	هِيَ	مِنْ	أَهَمِّ ^۷	أَسْبَابِ	قَطْعِ	التَّوَاصُلِ	بَيْنَ	النَّاسِ.
و	غیبت	و	آن	از	مهم‌ترین	علت‌ها	بریدن	ارتباط	میان	مردم	

- و غیبت و آن از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَى	بَعْضُ	الْمُفَسِّرِينَ	سُورَةَ	الْحَجَرَاتِ	الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا	هَاتَانِ	الْأَيَّتَانِ	بِسُورَةِ	الْأَخْلَاقِ.
نامید	برخی	مفسران	سوره	حجرات	که	آمد	در آن	این دو	دو آیه	به سوره	اخلاق

برخی از مفسران سوره حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است، سوره اخلاق نامیدند.

۱. قَدْ قَالَ (قَدْ + فعل ماضی) ترجمه ← ماضی نقلی

۲. أَكْبَرُ (اسم تفضیل) + الْغَيْبِ (مضاف‌الیه) ترجمه اسم تفضیل ← صفت برترین با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.

۳. «الْأُولَى» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فَعْلَى» و نقش صفت را برای «الْآيَةَ» دارد.

۴. «الْآخِرِينَ» جمع مذکر سالم، مفرد آن «الْآخِرُ» اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ» است.

۵. جمله شرطیه است. جمله «فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ» جواب شرط است.

۶. «الْإِسْتِهْزَاءُ» معمولاً با حرف جر «بِ» می‌آید.

۷. «أَهَمُّ» در اصل «أَهَمُّمٌ» بر وزن «أَفْعَلُ» بوده و اسم تفضیل است.

واژگان

<p>عَجَبٌ: خودپسندی عَسَى: شاید = رَئِمَا عَذَابٌ: عذاب داد (مضارع: يُعَذِّبُ / امر: عَذَّبْ / مصدر: تُعَذِّبُ) عَلَبَتْ: چیره شد فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه فَصَّحَ: رسوا کردن فَلَقَ: سپیده دم قَدَّ: گاهی، شاید ← (بر سر فعل مضارع می آید). «قَدَّ يَكُونُ»: گاهی می باشد ← (بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است. كِبَائِرٌ: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ» كِرَةً: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ / امر: اِكْرَهُ / مصدر: كْرَاهَةٌ) لَحْمٌ: گوشت «جمع: لُحُومٌ» لَقَبٌ: لقب داد (مضارع: يَلْقَبُ / امر: لَقَّبْ) لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ) مَتَجَرَ: مغازه مَيِّتٌ: مرده «جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ مِيزَانٌ: ترازو «جمع: مَوَازِينٌ» نَوْعِيَّةٌ: نوع، جنس</p>	<p>تَوَاضَلْ: ارتباط (ماضی: تَوَاضَلْ / مضارع: يَتَوَاضَلُ) تَمَّمَ: کامل کرد (مضارع: يَتَمَّمُ / امر: تَمَّمْ / مصدر: تَتَمِّمُ) جَادَلَ: گفت و گو کرد، ستیز کرد (مضارع: يُجَادِلُ / امر: جَادِلْ / مصدر: مُجَادَلَةٌ) حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ / امر: حَرِّمْ / مصدر: تَحْرِيْمٌ) حَسَّنَ: نیکو گردانید (مضارع: يُحَسِّنُ / امر: حَسِّنْ / مصدر: تَحْسِينٌ) حَيٌّ: بشتاب خَفَّضَ: تخفیف داد (مضارع: يُخَفِّضُ / امر: خَفِّضْ / مصدر: تَخْفِيزٌ) خَفِيَ: پنهان ≠ ظاهر زَمِيلٌ: همکار سَاءَ: بد شد (مضارع: يَسُوءُ) سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يُسَخِّرُ / مصدر: سُخْرِيَّةٌ) «لا يَسَخِّرُ»: نباید مسخره کند بِعَرَ: قیمت «جمع: أَسْعَارٌ» صَلَّ: گمراه شد (مضارع: يَضِلُّ) عَابَ: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: يَعِيبُ / مصدر: عَيْبٌ)</p>	<p>إِنْفَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) «اتَّقُوا اللَّهَ»: از خدا پروا کنید إِثْمٌ: گناه = ذَنْبٌ إِسْتَهْزَأَ: ریشخند کردن (ماضی: إِسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ) أَذْعَ: فرا بخوان إِغْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) «لا يَغْتَابُ»: نباید غیبت کند أَنْ يَكُنَّ: که باشند (كان، يَكُونُ) أَنْ يَكُونَا: که باشند (كان، يَكُونُ) أَهْدَى: هدیه کرد بَغَضَ ... بَغَضًا: یکدیگر بَشَّ: بد است تَابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) «لَمْ يَتُبْ»: توبه نکرد تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ / امر: تَجَسَّسْ / مصدر: تَجَسَّسٌ) تَسْمِيَّةٌ: نام دادن، نامیدن (ماضی: تَسَمَّى / مضارع: يُسَمِّي) تَخْفِيزٌ: تخفیف دادن (در داد و ستد) تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن (ماضی: تَنَابَزَ / مضارع: يَتَنَابَزُ / مصدر: تَنَابَزٌ) تَوَابَ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده</p>
---	---	---

عَمَلٌ = فِعْلٌ کار	رَحِيمٌ = حَنُونٌ مهربان	إِثْمٌ = ذَنْبٌ = خَطِيئَةٌ گناه	خَيْرٌ = أَفْضَلُ، أَحْسَنُ بهتر، بهترین	يَا = أَيُّهَا ای
تَوَاضَلْ = اِرْتِبَاطٌ ارتباط	مُحَاوَلَةٌ = اِجْتِهَادٌ = سَعْيٌ تلاش	قَدَّ (+ فعل مضارع) = عَسَى = رَئِمَا شاید	شَخْصٌ = فَرْدٌ فرد، شخص	يَفْعَلُ = يَفْعَلُ انجام می دهد، کار می کند
إِسْتَهْزَأَ بِ = سَخَّرَ مِنْ ریشخند کرد، مسخره کرد	كِبَائِرٌ = الذَّنُوبُ الكَبِيرَةُ گناهان بزرگ	جَعَلَ = وَضَعَ قرار داد	سَبِيلٌ = طَرِيقٌ راه	حَسَنٌ = جَيِّدٌ خوب
إِجْتِنَابٌ = اِبْتِعَادٌ دوری کردن، دور شدن	مَخْفِيٌ = مَسْتَوْرٌ پنهان	تَنَابَزَ = لَقَّبَ با لقب [بد] خواند، لقب داد	كِرِيهٌ = قَبِيحٌ زشت، ناپسند	عَابَ = لَمَزَ عیب جویی کرد، عیب دار کرد، عیب گرفت

اجْتَنِبُوا ≠ تَقَرَّبُوا دوری کنید، بپرهیزید ≠ نزدیکی کنید	كثير ≠ قليل بسیار، زیاد ≠ کم	نساء ≠ رجال زنان ≠ مردان	بَعْدُ ≠ قَبْلُ پس ≠ پیش	أَوْلَئِكَ ≠ هَؤُلَاءِ آنان ≠ اینان
أَحَدٌ ≠ جَمِيعٌ یکی ≠ همه	أَخٌ ≠ أُخْتٌ برادر ≠ خواهر	مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ مرده ≠ زنده	نَبَيْتَعِدُ ≠ نَقْتَرِبُ دور می‌شویم ≠ نزدیک می‌شویم	حَفِيٌّ ≠ ظَاهِرٌ، مُبِينٌ پنهان ≠ آشکار
قَبِيحَةٌ ≠ جَمِيلَةٌ زشت ≠ زیبا	قَطَعُ ≠ وَضَلُ بریدن ≠ پیوند خوردن	يَنْهَى ≠ يَأْمُرُ نهی می‌کند ≠ دستور می‌دهد	أَعْلَى ≠ أَرْحَصُ گران‌تر ≠ ارزان‌تر	أَقَلُّ ≠ أَكْثَرُ کم‌تر ≠ بیش‌تر
كَبْرَى ≠ صُغْرَى بزرگ‌تر ≠ کوچک‌تر	قَمِيصٌ ≠ فُسْتَانٌ پیراهن مردانه ≠ پیراهن زنانه	أَكْبَرُ ≠ أَصْغَرُ بزرگ‌تر ≠ کوچک‌تر	قَدِيمٌ ≠ جَدِيدٌ، بَدِيعٌ قدیم ≠ جدید، نو	غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ گران ≠ ارزان
أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ سفید ≠ سیاه	زَائِدٌ ≠ نَاقِصٌ به‌اضافه ≠ منهای	مَشْرِقٌ ≠ مَغْرِبٌ مشرق ≠ مغرب	أَحَلُّ ≠ حَرَمٌ حلال کرد ≠ حرام کرد	سَوْءُ الظَّنِّ ≠ حَسَنُ الظَّنِّ بدگمانی ≠ خوش‌گمانی
غَافِرٌ: آمرزنده عَقَارٌ: بسیار آمرزنده	تَابٌ: توبه کرد إِغْتَابٌ: غیبت کرد	ذَهَبٌ: رفت ذَهَبٌ: طلا	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین	حَسَنٌ: خوب أَحْسَنُ: بهتر
مَطْعَمٌ: رستوران مَطْبَخٌ: آشپزخانه مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	سَاءٌ: بد شد سَوْءٌ: بد	سَاتِرٌ: پوشاننده سَتَارٌ: بسیار پوشاننده		
أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ خود	أَلْقَابٌ ← لَقَبٌ لقب	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ عیب	أَسْمَاءٌ ← إِسْمٌ نام، اسم	أَسْرَارٌ ← سِرٌّ راز
كِبَائِرٌ ← كَبِيرَةٌ گناه بزرگ	ذُنُوبٌ ← ذَنْبٌ گناه	أَخْلَاقٌ ← خُلُقٌ اخلاق	أَسْبَابٌ ← سَبَبٌ علت	لُحُومٌ ← لَحْمٌ گوشت
أَمْوَاتٌ، مَوْتَى ← مَيِّتٌ مرده	جِبَالٌ ← جَبَلٌ کوه	أَفْضَلٌ ← أَفْضَلٌ بهتر، برتر	أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ حدیث	عِبَادٌ ← عِبْدٌ بنده
أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ قیمت	مَلَابِسٌ ← مَلْبَسٌ لباس	فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ لباس	سِرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ شلوار	تَمَارِينٌ ← تَمْرِينٌ تمرین
أَفْعَالٌ ← فِعْلٌ فعل	تَرَكَيبٌ ← تَرْكِيْبٌ ترکیب	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ نہان	خَطَايَا ← خَطِيئَةٌ خطا، اشتباه	مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ ترازو

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ✗ ۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحَجْرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.)
- ✗ ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْرَاءَ وَ الْغَيْبَةَ فَقَطُّ. (خدا در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت را حرام کرد.)
- ✓ ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكِ بِمَا يَكْرَهُانِ. (غیبت همان است که برادرت و خواهرت را به آن چه ناپسند می‌دارند، یاد کنی.)
- ✓ ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ. (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند.)
- ✗ ۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیباست.)

قواعد

اسم التفضیل و اسم المکان

اسم تفضیل

* اسمی است که برتری کسی بر کسی دیگر یا برتری چیزی بر چیزی دیگر را بیان می‌کند.

اسم تفضیل، ریشه فعلی دارد؛ مذکر آن بر وزن «أفعل» و مؤنث آن بر وزن «فعلی» است و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین (عالی)» در فارسی است؛ **مثال**

- صَغْرٌ: کوچک شد ← أَصْغَرَ (مؤنث آن «صَغْرَى»): کوچک‌تر، کوچک‌ترین
 كَبْرٌ: بزرگ شد ← أَكْبَرَ (مؤنث آن «كَبْرَى»): بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
 حَسَنٌ: خوب شد ← أَحْسَنَ (مؤنث آن «حَسَنَى»): خوب‌تر یا بهتر یا نیکوتر، خوب‌ترین یا بهترین یا نیکوترین
 قَرَبٌ: نزدیک شد ← أَقْرَبَ (مؤنث آن «قُرْبَى»): نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین
 فَضْلٌ: برتری یافت ← أَفْضَلَ (مؤنث آن «فُضْلَى»): برتر، برترین

تست ۱ عَيْنٌ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (۱) أَنْفَعُ (۲) أَكَلُ (۳) أَكْرَمُ (۴) أَجْمَلُ

پاسخ اسم‌های «أَنْفَعُ: سودمندتر، سودمندترین - أَكْرَمُ: گرامی‌تر، گرامی‌ترین - أَجْمَلُ: زیباتر، زیباترین» همگی بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل هستند ولی «أَكَلُ: خورد» فعل ماضی است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

تست ۲ أَيُّ الْأَسْمَاءِ كَلَّمَهَا اسْمُ تَفْضِيلٍ:

- (۱) أَصْغَرَ - أَطَهَّرَ - مَحْكُومٌ
 (۲) أَشَجَّعَ - غَفَّارٌ - أَرْحَمَ
 (۳) أَسْمَعَ - أَعْظَمَ - أَصْلَحَ
 (۴) أَرْفَعَ - رَاجِمٌ - أَعْلَمَ

پاسخ در گزینه (۱) «مَحْكُومٌ: حکم داده شده» بر وزن «مَفْعُولٌ» و اسم مفعول است و «أَصْغَرَ: کوچک‌تر، کوچک‌ترین - أَطَهَّرَ: پاک‌تر، پاک‌ترین» اسم تفضیل هستند؛ و در گزینه (۲) «غَفَّارٌ: بسیار آمرزنده» بر وزن «فَعَّالٌ» و اسم مبالغه است و «أَشَجَّعَ: شجاع‌تر، شجاع‌ترین - أَرْحَمَ: مهربان‌تر، مهربان‌ترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَسْمَعَ: شنواتر، شنواترین - أَعْظَمَ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین - أَصْلَحَ: درست‌کارتر، درست‌کارترین» تمامی اسم‌ها بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «رَاجِمٌ: رحم‌کننده» بر وزن «فَاعِلٌ» و اسم فاعل است و «أَرْفَعَ: بلندتر، بلندترین - أَعْلَمَ: داناتر، داناترین» اسم تفضیل هستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

* اکنون به ترجمه اسم تفضیل در جمله‌های زیر دقت کنید:

- آسیا أَكْبَرُ مِنَ أوروپَا. ← آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.
 آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.
 آسیا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.
 جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. ← کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.
 جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
 جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلِ فِي إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.
 أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. ← بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
 همان‌گونه که در جملات بالا می‌بینید،

اگر حرف جرّ «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برتر و با پسوند «تَر» ترجمه می‌شود.

مثال هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ. ← این بزرگ‌تر از آن است.

* بعد از اسم تفضیل

اگر مضاف‌الیه بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برترین و با پسوند «تَرِین» ترجمه می‌شود.

مثال سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةِ فِي الْقُرْآنِ. ← سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

۱. گاهی اسم تفضیل مؤنث به شکل «فُعْلَا» است. مثال: أَعْلَى ← عَلِيَا: بالاتر، بلندتر

سؤال عَيْنَ تَرْجَمَةَ اسْمِ التَّفْضِيلِ [يَشْكَلُ صِفَةً تَفْضِيلِيَّةً أَوْ صِفَةً عَالِيَةً] فِي الْعِبَارَاتِ. (ترجمه اسم تفضیل را [به شکل صفت برتر یا صفت برترین] در عبارتها مشخص کن.)

الف) دَرَسٌ عَلِيٌّ أَحْسَنُ مِنْ دَرَسٍ نَاصِرٍ. (ب) هُوَ مِنْ أَحْسَنِ الطَّلَابِ.

ج) عَلِيٌّ أَشْجَعٌ مِنْ سَعِيدٍ. (د) هُوَ مِنْ أَشْجَعِ النَّاسِ.

هـ) هَذَا الْقَمِيصُ أَرْحَصُ مِنْ ذَلِكَ الْقَمِيصِ. (و) هَذَا أَرْحَصُ قَمِيصًا.

پاسخ الف) أَحْسَنٌ؛ بهتر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جَزْ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. ترجمه: «درسی علی بهتر از درسی ناصر است.»

ب) أَحْسَنٌ؛ بهترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (الطَّلَابِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. ترجمه: «او از بهترین دانش‌آموزان است.»

ج) أَشْجَعٌ؛ شجاع‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جَزْ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. ترجمه: «علی از سعید شجاع‌تر است.»

د) أَشْجَعٌ؛ شجاع‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (النَّاسِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. ترجمه: «او از شجاع‌ترین مردم است.»

هـ) أَرْحَصُ؛ ارزان‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جَزْ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. ترجمه: «این پیراهن مردانه ارزان‌تر از آن پیراهن مردانه است.»

و) أَرْحَصُ؛ ارزان‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (قَمِيصِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. ترجمه: «این ارزان‌ترین پیراهن ما است.»

تست ۳ عَيْنَ عِبَارَةٍ جَاءَتْ فِيهَا صِفَةٌ عَالِيَةً (صفت برترین):

۱) لَيْسَ شَيْءٌ أَجْمَلُ مِنَ الْأَدَبِ. ۲) الْحَرْبَاءُ مِنْ أَعْجَبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ.

۳) إِنَّ التَّوَّاضِعَ أَنْفَعُ مِنَ الْعُجْبِ. ۴) مَكْتَبَتِي أَصْغَرُ مِنْ مَكْتَبَةِ صَدِيقِي.

پاسخ در گزینه (۱) بعد از اسم تفضیل «أَجْمَلُ» حرف جَزْ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «چیزی زیباتر از ادب نیست!». در گزینه (۲) بعد از اسم تفضیل «أَعْجَبِ» مضاف‌الیه «مَخْلُوقَاتِ» آمده و به شکل صفت عالی یا صفت برترین ترجمه می‌شود: «آفتاب‌پرست از شگفت‌ترین آفریده‌های خداوند است!». در گزینه (۳) بعد از اسم تفضیل «أَنْفَعُ» حرف جَزْ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «به راستی فروتنی سودمندتر از خودپسندی است!». در گزینه (۴) بعد از اسم تفضیل «أَصْغَرُ» حرف جَزْ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «کتابخانه‌ام کوچک‌تر از کتابخانه دوستم است!»، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

نکات

* فعل‌هایی که سومین حرف اصلی آن‌ها «و» یا «ی» باشد، اسم تفضیلشان بر وزن «أَفْعَلُ» در آخر به شکل «-ی» نوشته می‌شود و به شکل «الف» خوانده می‌شود و اگر مضاف‌الیه آن ضمیر متصل (ه، ههما، ...) باشد، آخرشان به شکل الف «ا» نوشته می‌شود.

مثال

حَفِيٌّ (خ ف ی) ← أَخْفَى (مخفی‌تر، مخفی‌ترین) ← أَخْفَاهُمْ (مخفی‌ترینشان)

عَلَا (ع ل و) ← أَعْلَى (بلندتر، بلندترین) ← أَعْلَاهُمْ (بلندترینشان)

عَلَا (ع ل و) ← أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) ← أَعْلَاهُمْ (گران‌ترینشان)

* فعل‌هایی که ریشه آن‌ها دو حرف شبیه هم دارند در ساختن اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ»، دو حرف هم‌جنس با هم ادغام «أَفَلَّ» می‌شوند.

مثال

حَبَّ (از ریشه «ح ب ب») ← أَحَبَّ (دوست‌داشتنی‌تر، دوست‌داشتنی‌ترین)

قَلَّ (از ریشه «ق ل ل») ← أَقَلَّ (کم‌تر، کم‌ترین)

رَقَّ (از ریشه «ر ق ق») ← أَرْقَّ (دلسوزتر، دلسوزترین)

تست ۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ صِبَاغَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ مِنْ مَادَّةِ (رِيشه) الْأَفْعَالِ:

- (۱) غَ فَ وَ ← أَعْفَوُ (۲) قَ وَ يَ ← أَقْوَى (۳) شَ دَ دَ ← أَشَدَّ (۴) ضَ رَ رَ ← أَضْرَرُ

پاسخ در گزینه (۱) اسم تفضیل از ریشه عَفَوَ، «أَعْفَى (بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین)» می‌شود و در ساخت آن حرف «و» به «ی» تبدیل می‌شود. در گزینه (۲) اسم تفضیل از ریشه قَوَى، «أَقْوَى (قوی‌تر، قوی‌ترین)» درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل از ریشه شَدَّ (ش د د)، «أَشَدَّ (محکم‌تر، محکم‌ترین)» می‌شود و در ساخت آن دو حرف شبیه به هم ادغام می‌شوند. در گزینه (۴) اسم تفضیل از ریشه ضَرَّ (ض ر ر)، «أَضْرَرَّ (مضرت‌تر، مضرت‌ترین)» و در ساخت آن دو حرف شبیه هم ادغام شده‌اند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

* مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید.

مثال فَاطِمَةُ الْكُبْرَى، زَيْنَبُ الصُّعْرَى

* اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

مثال فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ. ← فاطمه از زینب بزرگ‌تر است.

هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ أَفْضَلُ مِنَ تِلْكَ التَّلْمِيذَةِ. ← این دانش‌آموز برتر از آن دانش‌آموز است.

* غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مانند «أَفْضَل» که جمع آن «أَفْضَالُ» می‌باشد.

مثال إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ. ← هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.

(«أَرَاذِلُ» جمع مکسر «أُرْدَالُ» و «أَفْضَالُ» جمع مکسر «أَفْضَلُ» است.)

* اگر جمع مکسر بر وزن «أَفَاعِل» بر برتری دلالت نکند، اسم تفضیل نیست؛ برای اطمینان بهتر است آن را به مفرد ببریم.

مثال

أَصَابِعُ ← أَصْبَحَ (انگشت) / أَمَاكِنُ ← مَكَانَ (جا، مکان)؛ اسم تفضیل نیستند.

أَكْبَرُ ← أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / أَعْظَمُ ← أَعْظَمُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)؛ اسم تفضیل هستند.

تست ۵ عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ أَكْثَرُ:

- (۱) إِيْرَانِ مِنْ أَجْمَلِ الْمَنَاطِقِ فِي الْعَالَمِ!
(۲) أَصْغَرُ أَخِي أَحَبُّ الشَّخْصِ فِي أَسْرَتِنَا!
(۳) إِنَّ جَدِّي مِنْ أَكْبَرِ قَرِيْبَتِنَا!
(۴) «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»

پاسخ در گزینه (۱) «أَجْمَلُ: زیباترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «أَصْغَرُ: کوچک‌ترین» و «أَحَبُّ: دوست‌داشتنی‌ترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَكْبَرُ: بزرگان» جمع مکسر «أَكْبَرُ» و اسم تفضیل است. در گزینه (۴) «أَحْسَنُ: بهترین» اسم تفضیل است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

ترجمه الأحادیث التالية، ثمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس خطی را زیر اسم تفضیل قرار بده.)

۱. سَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

از پیامبر خدا ﷺ پرسیده شد: دوست‌داشتنی‌ترین مردم نزد خداوند کیست؟ گفت: سودمندترین مردم برای مردم.

أَحَبُّ / أَنْفَعُ: اسم تفضیل

۲. أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانشش افزود (بیافزاید).

أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكُتُوبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برترین کارها کسب از [روزی] حلال است.

أَفْضَلُ: اسم تفضیل

* اگر وزن «أَفْعَل» بر رنگ و عیب دلالت کند، اسم تفضیل نیست.

مثال أَحْمَرُ: سرخ، أبيض: سفید، أسود: سیاه، ...

أعوج: کج، أصم: کر، أبکم: لال، أعمى: کور، ...

• اگر بعدشان حرف جرّ «من» بیاید و به شکلِ صفتِ تفضیلی (صفت برتر) «خوبتر، بهتر» و «بدتر» ترجمه شوند.

مثال هَذَا خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ. این، خوبتر از آن است.

خُلِقَ شَرٌّ مِنْ أَبِيهِ. اخلاق او، بدتر از پدرش است.

تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

• اگر بعدشان مضاف‌الیه بیاید و به شکلِ صفتِ عالی (صفت برترین) «خوبترین، بهترین» و «بدترین» ترجمه شوند.

مثال خَيْرُ النَّاسِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. خوبترین مردم، خوش‌اخلاق‌ترینشان است.

إِنَّهُ شَرُّ النَّاسِ. به راستی او، بدترین مردم است.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. به سوی بهترین کار بشتاب.

• اگر به تنهایی در جمله بیایند و به معنی «خوب/خوبی» و «بد/بدی» ترجمه شوند.

مثال هَذَا الْكِتَابُ خَيْرٌ. این کتاب، خوب است.

الرَّجُلُ الْكَاذِبُ شَرٌّ. مرد دروغگو، بد است.

• اگر حرفِ «أل» در اولشان بیاید و به معنی «خوبی» و «بدی» ترجمه شوند.

مثال الْخَيْرُ خَصْلَةُ الْمُؤْمِنِ. خوبی، خصلت مؤمن است.

السَّرُّ خَصْلَةُ الظَّالِمِ. بدی، خصلت ستمگر است.

اسم تفضیل هستند

❖ دو کلمه «خیر» و «شَر»

اسم تفضیل نیستند

تست ۶ عَيْنُ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(۱) أَقْرَبُ / أَبْعَدُ (۲) أَذْكَى / أَعْلَمُ

(۳) أَعَزَّ / أَثْقَلُ

(۴) أَبْيَضُ / أَحْمَقُ

پاسخ در گزینه (۱) «أقرب: نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین - أبعد: دورتر، دورترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۲) «أذكى: باهوش‌تر، باهوش‌ترین - أعلم: داناتر، داناترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أعزّ: از ریشه «ع ز ز»: عزیزتر، عزیزترین - أثقل: سنگین‌تر، سنگین‌ترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «أبيض: سفید/أحمق: نادان» بر رنگ و عیب دلالت دارند و اسم تفضیل نیستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

تست ۷ مَبْنِيَّ كَلِمَةُ «خَيْرٍ» اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(۱) لَيْسَتْ خَيْرٌ الْمَلَابِسِ لِلضِّيَافَةِ!

(۲) «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»

(۳) الْخَيْرُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ!

(۴) مَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ!

پاسخ در گزینه (۱) بعد از «خیر» مضاف‌الیه «الملابس» آمده و به معنی «بهترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) بعد از «خیراً» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۳) «الخير» با حرف «أل» آمده و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۴) بعد از «خیر» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» می‌باشد و اسم تفضیل نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۱) است.

ویژه علاقمندان

❖ «أدنی» و مؤنث آن «دُنیا» به معنی «نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین/ خوارتر، خوارترین» اسم تفضیل است. البته «دُنیا» غالباً «دنیا» ترجمه می‌شود.

مثال مِنْ أَدْنَاهُ إِلَى أَفْصَاهُ. از نزدیک‌ترینش تا دورترینش.

❖ «أوّل» و مؤنث آن «أولی» به معنی «یکم، اولین»، هم‌چنین «آخر» و مؤنث آن «أخری» به معنی «دیگر، دیگری، بازپسین» اسم تفضیل هستند.

۱. الف و لام داشته باشد.

مثال خَدِيجَةُ هِيَ الْفُضْلَى. خدیجه فاضل‌ترین است.

۲. مضاف‌الیه داشته باشد.

مثال خَدِيجَةُ فَضْلَى التَّلْمِيذَاتِ. خدیجه فاضل‌ترین دانش‌آموزان است.

❖ اسم تفضیل طبق اسم مؤنث، در دو حالت به شکل مؤنث می‌آید

(ویژه علاقمندان)

تست ۸ ما هو الخَطَأُ عَنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ؟

- ۱) زَيْنَبٌ هِيَ الْفَضْلَى!
- ۲) حُسَيْنٌ هُوَ الْأَفْضَلُ!
- ۳) عَلِيٌّ أَفْضَلُ مِنْ حُسَيْنٍ!
- ۴) فاطمةُ فَضْلَى مِنْ زَيْنَب!

پاسخ در گزینه (۱) اسم تفضیل «الْفَضْلَى» با حرف «أل» آمده و مؤنث بودنش در عبارت درست است. در گزینه (۲) اسم تفضیل «الأفضل» در جمله مذکر، به صورت مذکر درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل «أفضل» در مقایسه بین دو اسم مذکر و به صورت مذکر درست است. در گزینه (۴) اسم تفضیل «فضلی» در مقایسه بین دو اسم مؤنث «فاطمة / زینب» آمده است باید مذکر «أفضل» بیاید، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

ترجمه العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن).

۱. «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» المؤمنون: ۱۰۹
... پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را ببخشای (بیامرز) و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان (مهربانان) هستی.
۲. خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رسول الله ﷺ
بهترین برادران شما (دوستانتان) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد.
۳. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» القدر: ۳
شب قدر بهتر از هزار ماه است.
۴. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام
هر کس شهوتش (هوس او) بر عقلش چیره شد (شود) پس او بدتر از چارپایان است.
۵. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.
بدترین مردم [انسان] دورو است.

اسم مکان

❖ اسمی که بر مکان دلالت دارد و بر سه وزن «مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

مثال

- مَفْعَل ← مَلْعَب: ورزشگاه / مَطْعَم: رستوران / مَصْنَع: کارخانه / مَطْبَخ: آشپزخانه / مَخْرَن: انبار
 - مَفْعِل ← مَنْزِل: خانه / مَسْجِد: سجده‌گاه، مسجد / مَجْلِس: شورا / مَوْقِف: ایستگاه / مَشْرِق: مشرق، خاور / مَغْرِب: مغرب، باختر
 - مَفْعَلَةٌ ← مَكْتَبَةٌ: کتابخانه / مَطْبَعَةٌ: چاپخانه / مَحْكَمَةٌ: دادگاه
- ❖ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است.

مثال

- مَدَارِس ← مَدْرَسَةٌ / مَلْعَب ← مَلْعَب / مَطْعَم ← مَطَاعِم / مَنَزِل ← مَنَازِل / مَخْرَن ← مَخَازِن
- ❖ اگر جمع مکسر بر وزن «مَفَاعِل» بر مکان دلالت نکند، اسم مکان نیست؛ برای اطمینان، بهتر است آن را به مفرد ببریم.

مثال

- مَطَالِب ← مَطْلَب (موضوع، خواسته)؛ اسم مکان نیست.
- مَشَارِب ← مَشْرَب (سقاخانه، جای آشامیدن آب) و مُحَافِل ← مُحْفَل (محل گردهمایی، انجمن)؛ اسم مکان هستند.

تست ۹ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ:

- ۱) مَسَائِل
- ۲) مَحَامِد
- ۳) مَحَاضِر
- ۴) مَشَاكِل

پاسخ در گزینه (۱) «مَسَائِل» جمع مکسر «مَسْأَلَةٌ» به معنی «مطلب، مسئله» اسم مکان نیست. در گزینه (۲) «مَحَامِد» جمع مکسر «مَحَمَدَةٌ» به معنی «نکونامی، ستایش» اسم مکان نیست. در گزینه (۳) «مَحَاضِر» جمع مکسر و مفرد آن «مَحَضَر: مکان حاضر شدن» اسم مکان است. در گزینه (۴) «مَشَاكِل» جمع مکسر «مَشْكَل» به معنی «دشواری، سختی» اسم مکان نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ الْاَيْتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱. «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» النَّحْلُ: ۱۲۵

... و به روشی که بهتر است با آن‌ها بحث کن به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد، داناتر است ...

أَحْسَنٌ - أَعْلَمٌ: اسم تفضیل

۲. «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» الْأَعْلَى: ۱۷

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر (پاینده‌تر) است.

۳. كَانَتْ مَكْتَبَةً «جندی سابور» في خوزستان أكبر مَكْتَبَةٍ في العالم القديم.

کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان گذشته است.

خَيْرٌ - أَبْقَى: اسم تفضیل

مَكْتَبَةٍ: اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ» - أَكْبَرُ: اسم تفضیل

مکالمه

جواز (في سوق مشهد) گفت‌وگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْقَلَابِسِ (فروشنده لباس‌ها)	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَبًا بِكَ. (سلام بر شما، خوش آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. (سلام بر شما)
سِتُونَ أَلْفَ تومَان. (شصت هزار تومان)	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا بِشَعْرٍ خَمْسِينَ أَلْفَ تومَان. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي.	أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَاظُ غَالِيَةٌ.
(به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	(ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.)
أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِيٌّ.	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟
(سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.)	(چه رنگی دارید؟)
تَبْدَأُ الْأَسْعَاظَ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومَان.	بِكَمْ تومَانِ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟
(قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.)	(این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟)
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِيَاتِ.	الْأَسْعَاظُ غَالِيَةٌ!
(خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس‌ها فرق می‌کند.)	(قیمت‌ها گران است!)
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَان، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَان.	بِكَمْ تومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟
(شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	(این شلوارها چند تومان است؟)
ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.
(آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	(شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم.)
في مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... (در مغازه همکارش ...)	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تومَان. أُعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.	رَجَاءً، أُعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟
(قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بده.)	(لطفاً، شلوازی از این نوع (جنس) به من بده و ... قیمت چقدر شد؟)

تَمَارِینِ کِتَابِ دَرَسِی

﴿ التَّمْرِینُ الْأَوَّلُ ﴾ أَيُّ کَلِمَةٍ مِنْ کَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِیْحَاتِ التَّالِیَةِ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام قرار داد.)
 - ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست.)
 - ۳- الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ)
 - ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش قبول می‌کند.)
 - ۵- تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با نام‌های زشت.)
 - ۶- ذَكَرَ مَا لَا يُرِضِي بِهِ الْأَخْرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه دیگران در نبودنشان به آن راضی نمی‌شوند را یاد کرد.)
- الِاسْتِئْذَانُ (ریشخند کردن)
 الْمَمِيتُ (مُرده)
 الْكِبَائِرُ (گناهان بزرگ)
 التَّوَابُ (بسیار توبه‌پذیر)
 تَنَابُرٌ بِالْأَلْقَابِ (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)
 الْغَتَابُ (غیبت کرد)

﴿ التَّمْرِینُ الثَّانِي ﴾ تَرْجِمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آن چه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

- ۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْحَبَرُ)
مبتدا خبر
 خوش‌اخلاقی نیمی از دین است.
- ۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)
مفعول
 هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.
- ۳- إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)
فعل ماضی مجهول مفعول
 فقط فرستاده شدم (مبعوث شدم) تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.
- ۴- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)
فعل ماضی فعل امر
 خدایا همان‌گونه که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.
- ۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)
اسم تفضیل جارومجرور جارومجرور
 چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیک در ترازو [ی اعمال] نیست.

﴿ التَّمْرِینُ الثَّلَاثُ ﴾ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِیَةَ. (فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْمَاضِي
إِحْسَان: نیکی کردن	أَحْسِن: نیکی کن	يُحْسِن: نیکی می‌کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
إِقْتِرَاب: نزدیک شدن	لا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
إِنْكَسَار: شکسته شدن	لا تَنْكَسِرُوا: شکسته نشو	سَيَنْكَسِرُونَ: شکسته خواهد شد	إِنْكَسَرَ: شکسته شد
إِسْتِغْفَار: آموزش خواستن	إِسْتَعْفِرُوا: آموزش بخواه	يَسْتَعْفِرُونَ: آموزش می‌خواهد	إِسْتَعْفَرَ: آموزش خواست
مُسَافَرَة: سفر کردن	لا تُسَافِرُوا: سفر نکن	لا يُسَافِرُونَ: سفر نمی‌کند	ما سَافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلُّم: یاد گرفتن	تَعَلَّمُوا: یاد بگیرید	يَتَعَلَّمُونَ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُل: عوض کردن	لا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	تَبَادَلْتُ: عوض کردید
تَعْلِيم: آموزش دادن	عَلِّمُوا: آموزش بده	سَوْفَ يَعَلِّمُونَ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

﴿ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ ﴾ أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (عملیات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

$$۱۰ + ۴ = ۱۴$$

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

$$۸ \times ۳ = ۲۴$$

$$۷۶ - ۱۱ = ۶۵$$

۱- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

(ده به اضافه چهار مساوی است با چهارده.)

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

(صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه.)

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.

(هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار.)

۴- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِضٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

(هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج.)

﴿ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ ﴾ عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

(پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد. (نازل کرد.))

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ۲۶

مفعول مجرور به حرف جر

(خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.)

۲- ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

فاعل مفعول

(سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.)

۳- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مبتدا خبر

(محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن ها برای بندگان است.)

۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْعَمُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مبتدا مضاف الیه مجرور خبر

به حرف جر

(دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)

۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْكَتَاتِبِ

مبتدا خبر مجرور به حرف جر

﴿ التَّمَرِينُ السَّادِسُ ﴾ تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب ها و جمله های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول، و اسم مبالغه، و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

المَشْرِقُ - المَغْرِبُ: اسم مکان

۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ۲۸

پروردگار مشرق و مغرب

عَلَامٌ: اسم مبالغه

۲- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾: المَائِدَةُ: ۱۰۹

قطعاً تو بسیار دانای نهان ها هستی.

۳- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: یس: ۵۲

چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این چیزی است (همان است) که [خداوند] رحمان وعده داد و فرستاده شدگان (پیامبران) راست گفتند.

۴- يَا مَنْ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. (ای مهربان ترین مهربانان)

۶- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَغْيُوبٍ:

ای پوشاننده هر عیب داری.

۷- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ:

ای بسیار آمرزنده گناهان.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (کلمه غریبه در هر مجموعه را مشخص کن.)

- | | | | |
|--|--|---|--|
| 1- صَبَاحٌ <input type="checkbox"/> | مَسَاءٌ <input type="checkbox"/> | لَيْلٌ <input type="checkbox"/> | مَيِّتٌ <input checked="" type="checkbox"/> |
| صبح | عصر | شب | مرده |
| 2- عَجَبٌ <input type="checkbox"/> | لَحْمٌ <input checked="" type="checkbox"/> | فُسُوقٌ <input type="checkbox"/> | إِثْمٌ <input type="checkbox"/> |
| خودپسندی | گوشت | آلوده شدن به گناه | گناه |
| 3- كِبَائِرٌ <input checked="" type="checkbox"/> | نِسَاءٌ <input type="checkbox"/> | رِجَالٌ <input type="checkbox"/> | أَوْلَادٌ <input type="checkbox"/> |
| گناهان بزرگ | زنان | مردان | فرزندان |
| 4- سَخِرَ <input type="checkbox"/> | عَابٌ <input type="checkbox"/> | سَاعَدٌ <input checked="" type="checkbox"/> | لَمَزٌ <input type="checkbox"/> |
| مسخره کرد | عیب جویی کرد | کمک کرد | عیب گرفت |
| 5- أَحْمَرٌ <input checked="" type="checkbox"/> | أَحْسَنٌ <input type="checkbox"/> | أَجْمَلٌ <input type="checkbox"/> | أَصْلَحٌ <input type="checkbox"/> |
| سرخ | نیکوتر، بهترین | زیباتر، زیباترین | شایسته‌تر، شایسته‌ترین |
| 6- أَضْفَرٌ <input type="checkbox"/> | أَزْرَقٌ <input type="checkbox"/> | أَبْيَضٌ <input type="checkbox"/> | أَكْثَرٌ <input checked="" type="checkbox"/> |
| زرد | آبی | سفید | بیش‌تر، بیش‌ترین |

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه‌ای مناسب بگذار.)

- 1- اسْتَرَيْنَا وَفَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.
در مغازه شلوارها و پیراهن‌های زنانه را با قیمت‌هایی ارزان خریدیم.
- 2- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.
هر کس غیبت مؤمنان را کند باید از آن‌ها عذر بخواهد.
- 3- خَمْسَةٌ وَبِسْتُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي
شصت و پنج منهای بیست و سه مساوی است با چهل و دو.
- 4- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرِ.
مشتري تخفیف قیمت را خواست.
- | | | |
|---|--|---|
| سراویل <input checked="" type="checkbox"/> | أَشْهُرًا <input type="checkbox"/> | مَوَاقِفَ <input type="checkbox"/> |
| شلوارها | ماه‌ها | ایستگاه‌ها |
| إِغْتَابَ <input checked="" type="checkbox"/> | إِتْقَى <input type="checkbox"/> | مَدَحَ <input type="checkbox"/> |
| غیبت کرد | پروا کرد | ستود، ستایش کرد |
| إِثْنِينَ وَأَرْبَعِينَ <input checked="" type="checkbox"/> | إِثْنِينَ وَسَبْعِينَ <input type="checkbox"/> | أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ <input type="checkbox"/> |
| چهل و دو | هفتاد و دو | بیست و چهار |
| نَوْعِيَّةً <input type="checkbox"/> | مَتَجَرَّ <input type="checkbox"/> | تَخْفِيضَ <input checked="" type="checkbox"/> |
| جنس | مغازه | تخفیف |

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.
(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)



اول

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف ترجمه کلمات التي تحتها خط: (کلماتی که زیرش خط است، ترجمه کن.)

- ۱- اِشْتَرَيْتَ فَمَيْصاً بِلَوْنِ الْأَصْفَرِ. /
 ۲- سِعْرُ السَّرْوَالِ فِي ذَلِكَ الْمَتَجَرِّ رَخِيصٌ. /
 ۳- التَّوَاضُّعُ بَيْنَ النَّاسِ سَبَبٌ تَقَدَّمَ الْأُمَّةَ. /
 ۴- اِسْتِهْزَاءٌ بِالْآخِرِينَ عَمَلٌ قَبِيحٌ. /
 ۵- بَيْتُ الْإِسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ. /
 ۶- تَسْمِيَةُ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ إِثْمٌ. /

ب اُكْتُبْ فِي الْفَرَاقَاتِ الْكَلِمَاتِ الْمُتْرَادِفَةَ وَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ: (کلمات مترادف و کلمات متضاد را در جاهای خالی بنویس.) ≠

تَنَابَزٌ / ضَعَايِرُ / إِثْمٌ / كَرِيهٌ / عَابٌ / قَدَّ / تَابٌ / أَحَلَّ / انْصَبِحَةَ / مَيِّتٌ / رَخِيصٌ / خَطَأٌ / ذَنْبٌ / خَفِيَ / اِسْتِهْزَأَ / قَبِيحٌ / غَالِيٌ
 لَقَبٌ / عَسَى / سُوءُ الظَّنِّ / حَرَمٌ / لَمَزَ / حَيٌّ / اِبْتَعَدَ / حَسَنُ الظَّنِّ / كِبَائِرُ / مَوْعِظَةٌ / اِقْتَرَبَ / سَخِرَ / سَتِرٌ

- ۷- =
 ۸- =
 ۹- =
 ۱۰- =
 ۱۱- =
 ۱۲- =
 ۱۳- =
 ۱۴- =
 ۱۵- ≠
 ۱۶- ≠
 ۱۷- ≠
 ۱۸- ≠
 ۱۹- ≠
 ۲۰- ≠
 ۲۱- ≠

ج عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ: (کلمه غریبه را در هر مجموعه مشخص کن.)

- ۲۲- اِسْتِهْزَأَ عَابَ لَمَزَ تَابَ
 ۲۳- الْإِثْمَ التَّوْبَةَ الخَطِيئَةَ الذَّنْبَ
 ۲۴- الذَّهَبَ الفِضَّةَ الحَسَبَ الحديدَ

د اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمات را بنویس.)

- ۲۵- دُعَاءٌ:
 ۲۶- بَسْرُوَالٌ:
 ۲۷- سِعْرٌ:
 ۲۸- لَوْنٌ:
 ۲۹- سَبَبٌ:
 ۳۰- خُلُقٌ:
 ۳۱- لَقَبٌ:
 ۳۲- أَفْضَلٌ:
 ۳۳- مَيِّتٌ:
 ۳۴- مَصْنَعٌ:
 ۳۵- مَلْعَبٌ:
 ۳۶- بَسَاتِينٌ:
 ۳۷- كِبَائِرٌ:
 ۳۸- فَسَاتِينٌ:
 ۳۹- رِجَالٌ:
 ۴۰- أَسْرَارٌ:
 ۴۱- أَسْمَاءٌ:
 ۴۲- عُيُوبٌ:
 ۴۳- مَكَاتِبٌ:
 ۴۴- سُورٌ:
 ۴۵- مَنَازِلٌ:
 ۴۶- أَعْظَمٌ:

مهارت ترجمه به فارسی

ه ترجمه عبارات التالیة: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۴۷- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ﴾
 ۴۸- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَّنْ أَهَدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ.
 ۴۹- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾
 ۵۰- لَا تَسْخَرْ إِمْرَأَةَ الْأَخْرَىٰ عَسَىٰ أَنْ تَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهَا.
 ۵۱- ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَاِرْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾
 ۵۲- ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
 ۵۳- ﴿لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾
 ۵۴- ﴿وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ﴾
 ۵۵- ﴿أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾
 ۵۶- قَدْ يَكُونُ بَيْنَ زَمَلَانِي مَن هُوَ أَذْكَىٰ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَدْرُسَ مَعَهُ.
 ۵۷- لَا تَجَسَّسُوا فِي أُمُورِ أَصْدِقَائِكُمْ وَ لَا تَعْتَبُوا بَعْضُكُمْ بَعْضًا.

و انتخاب الترجمة الصحيحة: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)

- ۶۸- «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»
 ۱) به راستی خداوند توبه‌پذیر مهربان است.
 ۶۹- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.
 ۱) بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
 ۷۰- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.
 ۱) عیب بزرگ‌تر این‌که آن چه را که مانند آن در توست عیب گرفتی.
 ۷۱- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِّنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
 ۱) دشمنی دانا بهترین دوستی نادان است.
 ۷۲- ﴿إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾
 ۱) همانا تو دانای نهانی.
 ۲) به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
 ۲) بهترین مردم برای مردمشان سودمند هستند.
 ۲) بزرگ‌ترین عیب این است که آن چه را که مانند آن در توست عیب بگیری.
 ۲) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.
 ۲) قطعاً تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.

ز کمل الفراغات في الترجمة الفارسية: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

- ۷۳- ﴿وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾
 و با آن‌ها به روشی که است بحث کن. به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد است.
 ۷۴- يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ، يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ، يَا غَافِرَ الْخَطَايَا.
 ای عیب‌ها، ای نهان‌ها، ای هر عیب‌داری، ای خطاها.
 ۷۵- ﴿وَ الْأَجْرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ﴾ در حالی که آخرت و است.
 ۷۶- أَحْسَنُ زِينَةُ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ. زیور انسان همراه ایمان است.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ح ترجمه الكلمات التي تحتها خط: (کلماتی را که زیرش خط کشیده شده، ترجمه کن.)

- ۷۷- إَسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِّنَ الْقُرْآنِ.
 ۷۸- أَسْتَعْفَرَ اللَّهَ.
 ۷۹- تَنَصَّحْنَا الْآيَةَ.
 ۸۰- أَيَّامَ الْإِمْتِحَانِ كَانَتْ تَقْتَرِبُ.
 ۸۱- إِنْكَسَرَ الرَّجَاجُ.
 ۸۲- تُلَقَّبُ الْإِبِلُ بِسَفِينَةِ الصَّحْرَاءِ.
 ۸۳- الْبَائِعُ سَوْفَ يَتَبَادَلُ الْمَلَابِسَ.
 ۸۴- أَعْطِنِي سِرْوَالًا.
 ۸۵- هَلْ تَعَلَّمْتُمُ الدَّرُوسَ.
 ۸۶- لَا تَعْيَبُوا الْأَخْرَىٰ.

ط ترجم اسم الفاعل واسم المفعول واسم المبالغة واسم التفضيل واسم المكان: (اسم فاعل واسم مفعول واسم مبالغة واسم تفضيل واسم مكان را ترجمه كن.)

- ٨٧- يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ. / /
 ٩٣- يا عَفَّارَ الذُّنُوبِ. / /
 ٨٨- تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ النَّفْطَ إِلَى الْمَخَارِنِ. / /
 ٩٤- السُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ الْكَلَامِ. / /
 ٨٩- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. / /
 ٩٥- عَيْنَ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ. / /
 ٩٥- يا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ. / /
 ٩٦- سَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ. / /
 ٩٧- أُصْدِقَائِي ذَهَبُوا إِلَى الْمَلْعَبِ. / /
 ٩١- الْعَمَالُ ذَهَبُوا إِلَى الْمَصْنَعِ. / /
 ٩٢- يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. / /

ع عَيْنُ نَوْعِ الْأَفْعَالِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا: (نوع فعل ها را مشخص كن سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ٩٨- لِمَاذَا لَا تَجْتَنِبُونَ مِنَ الظَّنِّ؟! / /
 ١٠٢- أَلَرَّمَلَاءُ كَانُوا يَتَعَارَفُونَ مَعَ بَعْضِ. / /
 ٩٩- سُنِّلَ التَّلْمِيذَ. / /
 ١٠٣- سُنِّلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ. / /
 ١٠٠- أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، اتَّقُوا اللَّهَ. / /
 ١٠٤- لَا تَسَافِرْ بِالسِّيَارَةِ. / /
 ١٠١- سَوْفَ أَعْلَمُ الدَّرُوسِ. / /
 ١٠٥- أَحْسِنُ إِلَى الْفُقَرَاءِ. / /

ك ضَعُ فِي الْفَرَاعَاتِ كَلِمَاتٍ مَنَاسِبَةً: (در جاهای خالی، کلماتی مناسب قرار بده.)

- ١٠٦- تَأْخُذُ الْفَائِزَةُ جَائِزَةً دَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزَةُ السَّانِيَةُ جَائِزَةً فَصِيَّةً. (الأوَّلُ الأولى)
 ١٠٧- أَرْبَعَةٌ وَ بَيْتُونَ نَاقِصٌ خَمْسَةَ عَشَرَ يُسَاوِي : (تِسْعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسِينَ)
 ١٠٨- مَنْ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِ. (اتَّقَى اغْتَابَ لَقَّبَ)
 ١٠٩- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرَ. (تَخْفِيزُ لَوْنُ نَوْعِيَّةُ)

ل أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ النَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ: (عملیات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

(+ زائد / - ناقص / ÷ تقسیم علی / × ضرب فی)

- خمسة و ثمانون زائد خمسة عشر يساوي مئة. $85 + 15 = 100$
 ١١٠- بَيْتَةٌ وَ خَمْسُونَ نَاقِصٌ أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي اثْنَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ. / /
 ١١٢- خَمْسُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ. / /
 ١١٣- بَيْتَةٌ عَشْرٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةَ عَشَرَ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ. / /

ع عَيْنِ الْمُحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (نقش کلماتی را که زیرش خط است، مشخص کن.)

- ١١٤- عَادَاةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. / /
 ١١٥- «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» / /
 ١١٨- «لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ» / /
 ١١٩- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. / /

ن عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَجْهُولِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ ثُمَّ تَرْجِمُ ذَلِكَ الْفِعْلَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (فعل مجهول را در هر عبارتی مشخص کن سپس آن فعل را به فارسی ترجمه کن.)

- ١٢٠- سُنِّلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ : مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ / /
 ١٢١- «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ شَيْئًا» / /
 ١٢٢- حُرْمَ الْإِسْتِهْزَاءِ وَ الْغَيْبَةِ. / /

س عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ الْمُبَالِغَةِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا:

(اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم تفضيل و اسم مكان را مشخص كن، سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ١٢٣- يا سِتَّارَ الْعُيُوبِ. / /
 ١٢٤- أَوْلَيْكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. / /
 ١٢٥- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. / /
 ١٣٠- سَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ. / /
 ١٢٦- «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ» / /
 ١٣١- أَكْبَرُ الْمَكْتَبَةِ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ فِي جَنْدِي سَابُورِ. / /
 ١٢٧- لَا تَعْيَبُوا الْآخَرِينَ. / /
 ١٣٢- هُوَ أَعْلَمُ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَطَاعِمِ. / /

ع ۴ اجعل في الدائرة العدة المناسب: (در دایره عدد مناسب را قرار بده.)

- ۱۳۳- الكبائر ○ الذي ليس حياً.
- ۱۳۴- الغيبة ○ إتهام شخص لشخص آخر بدون دليل منطقي.
- ۱۳۵- التجسس ○ الذنوب الكبيرة.
- ۱۳۶- الميت ○ تسمية الآخرين بالأسماء القبيحة.
- ۱۳۷- سوء الظن ○ الذي يقبل التوبة من عباده.
- ۱۳۸- التوبة ○ دكر عيوب الآخرين بكلام خفي.
- ۱۳۹- الله ○ محاولة قبيحة لكشف أسرار الآخرين.
- ۱۴۰- الإستهزاء ○ التدم على الخطايا والسعي لتعويضها.

ف ۴ اقرأ النص القرآني ثم اجب عن الأسئلة: (متن قرآنی را بخوان سپس به سوالات پاسخ بده.)

﴿يا أيها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم و لا تلمزوا أنفسكم و لا تنابزوا بالألقاب يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بغض الظن إثم و لا تجسسوا و لا يغتب بعضكم بعضاً أ يحب أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً فكرهتموه﴾

- ۱۴۱- بماذا تشبه الغيبة؟ ۱-۴۳ هل يجوز إستهزاء الآخرين؟ لماذا؟
- ۱۴۲- لماذا علينا أن نجتنب من الظن؟ ۱-۴۴ ما معنى «لا تلمزوا» و «أن يأكل» في هذا النص؟

ص ۴ اجب عن الأسئلة: (به سؤال‌ها پاسخ بده.)

- ۱۴۵- كيف حالك؟ ۱-۴۷ ما اسمك الكريم؟
- ۱۴۶- كم عمرك؟ ۱-۴۸ من أي مدينة أنت؟

ق ۴ رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً من الجوار: (کلمات را مرتب کن و سؤال و پاسخی درست از گفت و گو را بنویس.)

- ۱۴۹- صار / أعطيني / التخفيض / تسعين / كم / ألف / بعد / تومان / المبلغ / /؟ /
- ۱۵۰- ألوان / لون / أي / عندنا / عندكم / كل / /؟ /
- ۱۵۱- هذه / الأسعار / بكم / من / تومان / خمسة و ستين / الفساتين / ألفاً / تسعين / إلى / تبدأ / تومان / ألف / /؟ /

پاسخ سوالات امتحانی درس اول

- ۱. قد (بر سر فعل مضارع) = عسى (گاهی = شاید)
- ۲. مغازه - ارزان
- ۳. ارتباط - پیشرفت
- ۴. ریشخند کردن - زشت
- ۵. بد است - آلوده شدن به گناه
- ۶. نامیدن - گناه
- ۷. إثم = ذنب (گناه)
- ۸. کریه = قبیح (زشت)
- ۹. عاب = لَمَزَ (عیب‌دار کرد = عیب گرفت)
- ۱۰. نصیحة = موعظة (پند)
- ۱۱. خفی = ستر (پنهان شد = پوشیده شد)
- ۱۲. إستهزأ = سخز (مسخره کرد)
- ۱۳. تنابز = لَقَبَ (با لقب [بد]خواند = لقب داد)
- ۱۴. صغائر ≠ کبائر (گناهان کوچک ≠ گناهان بزرگ)
- ۱۵. أحلّ ≠ حرّم (حلال کرد ≠ حرام کرد)
- ۱۶. میت ≠ حی (مرده ≠ زنده)
- ۱۷. رخصی ≠ غالی (ارزان ≠ گران)
- ۱۸. پیراهن - زرد

۱۹. اَيْتَعَدَّ \neq اِقْتَرَبَ (دور شد \neq نزدیک شد)
 ۲۰. تَابَ \neq حَطَأَ (توبه کرد \neq خطا کرد)
 ۲۱. سَوَّءَ الظَّنَّ \neq حَسَّنُ الظَّنَّ (بدگمانی \neq خوشگمانی)
 ۲۲. تَابَ: توبه کرد - سایر کلمات از افعال ناپسند هستند: (اسْتَهْزَأَ: ریشخند کرد - عَابَ: عیبجویی کرد - لَمَزَ: عیب گرفت)
 ۲۳. التَّوْبَةُ: توبه - سایر کلمات در مورد خطا و گناه هستند: (الإثم و الذنب: گناه - الحطأ: خطا و اشتباه)
 ۲۴. الخسب: چوب - سایر کلمات از فلزات هستند: (الذهب: طلا - الفضة: نقره - الحديد: آهن)
 ۲۵. أدعية (دعاها)
 ۲۶. سراويل (شلوارها)
 ۲۷. أسعار (قیمت‌ها)
 ۲۸. ألوان (رنگ‌ها)
 ۲۹. أسباب (علت‌ها)
 ۳۰. أخلاق (خوی‌ها)
 ۳۱. ألقاب (لقب‌ها)
 ۳۲. أفاضل (شایسته‌ترها، شایستگان)
 ۳۳. أموات، مَوْتَى (مردگان)
 ۳۴. مصانع (کارخانه‌ها)
 ۳۵. ملاعب (ورزشگاه‌ها)
 ۳۶. بستان (باغ)
 ۳۷. كَبيرة (گناه بزرگ)
 ۳۸. فستان (پیراهن زنانه)
 ۳۹. زَجَل (مرد)
 ۴۰. سِرّ (راز)
 ۴۱. اسم (نام)
 ۴۲. عیب (نقص، کمبود)
 ۴۳. مکتب (کتابخانه)
 ۴۴. سورة (سوره)
 ۴۵. منزل (خانه)
 ۴۶. أعظم (بزرگ‌تر)
 ۴۷. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنید، شاید آن‌ها بهتر از [خودشان] باشند.
 ۴۸. بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.
 ۴۹. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید (دوری کنید) به راستی بعضی از گمان‌ها گناه است.
 ۵۰. زنی نباید زنی دیگر را مسخره کند، شاید که بهتر از او [خودش] باشد.
 ۵۱. پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را ببخشای (بیمرز) و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.
 ۵۲. خداوند آرامش را بر پیامبر خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد.
 ۵۳. شب قدر بهتر از هزار ماه است.
 ۵۴. و از خودتان عیب نگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید.
 ۵۵. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد، پس آن را ناپسند می‌دارید.
 ۵۶. گاهی بین هم‌شاگردی‌هایم کسی می‌باشد که او باهوش‌تر از ما است، پس بر ما لازم است که با او درس بخوانیم.

۵۷. در کارهای دوستانتان جاسوسی نکنید؛ و غیبت همدیگر را نکنید.
 ۵۸. چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این همان است که خداوند وعده داد و پیامبران راست گفتند.
 ۵۹. آیه اول از سوره حجرات ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید عیبجویی دیگران را نکنید.
 ۶۰. هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود پس او بدتر از چاربايان است.
 ۶۱. خداوند از همه فرزندان بشر می‌خواهد که نباید یکدیگر را با لقب‌هایی زشت، لقب دهند.
 ۶۲. جاسوسی تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم برای رسواکردنشان است.
 ۶۳. کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم بود.
 ۶۴. بعضی از مفسران سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده، سوره اخلاق نامیدند.
 ۶۵. غیبت از اخلاق‌های بد در مکتب ماست و آن از گناهان بزرگ است.
 ۶۶. فروشنده به مشتری شلوازی را به قیمت هشتاد و پنج هزار تومان داد.
 ۶۷. تو می‌توانی لباس‌های بهتری را از مغازه همکارم بخری.
 ۶۸. (۲) به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
 ۶۹. بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
 ۷۰. (۲) بزرگ‌ترین عیب این است که آن‌چه را که مانند آن در توست عیب بگیری.
 ۷۱. (۲) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.
 ۷۲. (۲) قطعاً تو بسیار دانای نپنهان هستی.
 ۷۳. بهتر، نیکوتر (أحسن) - داناتر (أعلم)
 ۷۴. بسیار پوشاننده (سَتَّار؛ اسم مبالغه است). - بسیار دانا (عَلَّام؛ اسم مبالغه است). - پوشاننده (سَاتِر؛ اسم فاعل است). - آمرزنده (غَافِر؛ اسم فاعل است).
 ۷۵. بهتر و پایدارتر (خَيْرٌ و أَبْقَى؛ اسم تفضیل هستند).
 ۷۶. نیکوترین، بهترین (أحسن؛ اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه است). - آرامش (السكينة)
 ۷۷. استخراج کن (فعل امر)
 ۷۸. آرمزش می‌خواهم (فعل مضارع)
 ۷۹. ما را پند می‌دهد (فعل مضارع با ضمیر متصل «نا»)
 ۸۰. نزدیک می‌شد (فعل ماضی استمراری)
 ۸۱. شکسته شد (فعل ماضی)
 ۸۲. لقب داده می‌شود (مضارع مجهول)
 ۸۳. عوض خواهد کرد، داد و ستد خواهد کرد (فعل مستقبل)
 ۸۴. به من بده (فعل امر با ضمیر متصل «ی»)
 ۸۵. یاد گرفتید (فعل ماضی)
 ۸۶. عیبجویی نکنید (فعل نهی)
 ۸۷. شنواترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه) - شنوندگان (اسم فاعل)
 ۸۸. نفتکش‌ها (اسم فاعل) - انبارها (اسم مکان)
 ۸۹. دوست داشتنی‌ترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه) - سودمندترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه)
 ۹۰. بهترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه) - آفرینندگان (اسم فاعل)
 ۹۱. کارگران (اسم فاعل) - کارخانه (اسم مکان)

۹۲. مهربان‌ترین، رحم‌کننده‌ترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه) - مهربانان، رحم‌کنندگان (اسم فاعل)
۹۳. بسیار آموخته (اسم مبالغه)
۹۴. بهتر، خوب‌تر (اسم تفضیل؛ بعد از «خَیْر» حرف جر «من» آمده است و به شکل صفت برتر ترجمه می‌شود).
۹۵. خواسته‌شده (اسم مفعول)
۹۶. بدترین (اسم تفضیل)
۹۷. ورزشگاه (اسم مکان)
۹۸. فعل مضارع منفی - دوری نمی‌کنید
۹۹. فعل ماضی مجهول - پرسیده شد
۱۰۰. فعل امر - پروا کنید
۱۰۱. فعل مستقبل (آینده) - آموزش خواهیم داد، یاد خواهیم داد
۱۰۲. معادل ماضی استمراری - با هم آشنا می‌شدند
۱۰۳. فعل ماضی مجهول - پرسیده شد
۱۰۴. فعل نهی - سفر نکن
۱۰۵. فعل امر - نیکی کن
۱۰۶. الأولی؛ عدد ترتیبی است و برای اسم مؤنث قبل از خود (الفائِزَة) نقش صفت را دارد بنابراین باید مؤنث بیاید.
۱۰۷. تسعة و أربعین (چهل و نه)؛ ترجمه عبارت: «شصت و چهار منهای پانزده مساوی است با چهل و نه.»
۱۰۸. اغتاب؛ ترجمه عبارت: «هر کس غیبت مؤمنی را کند از او باید پوزش بخواهد.»
۱۰۹. تخفیف؛ ترجمه عبارت: «خریدار تخفیف قیمت خواست.»
۱۱۰. $۳۲ = ۲۴ - ۵۶$
۱۱۱. $۲۱ = ۳ \times ۷$
۱۱۲. $۲۵ = ۲ \div ۵۰$
۱۱۳. $۳۰ = ۱۴ + ۱۶$
۱۱۴. العاقِل: مضاف‌الیه - صداقَة: مجرور به حرف جر
۱۱۵. اللّهُ: فاعل - نفساً: مفعول
۱۱۶. السُّكُوت: مبتدا - فِضَّة: خبر
۱۱۷. الكَسْب: خبر - الحلال: مجرور به حرف جر
۱۱۸. من: فاعل - الغیب: مفعول
۱۱۹. حَسُنْ: مبتدا - نصف: خبر
۱۲۰. سئِلَ: فعل ماضی مجهول (پرسیده شد)
۱۲۱. لا یظلمونَ: فعل مضارع منفی مجهول (ظلم نمی‌شوند)
۱۲۲. حَرَمَ: فعل ماضی مجهول (حرام شد)
۱۲۳. سَتَّارَ: اسم مبالغه (بسیار پوشاننده)
۱۲۴. الظَّالِمُونَ (مفرد: الظَّالِم): اسم فاعل (ستمکاران)
۱۲۵. أثقلَ: اسم تفضیل (سنگین‌تر)؛ بعد از آن حرف جر آمده، بنابراین با پسوند «تر» ترجمه می‌شود.
۱۲۶. المَشْرِقُ - المَغْرِبُ: اسم مکان (مشرق، خاور - مغرب، باختر)
۱۲۷. الآخرینَ (مفرد: الآخر): اسم تفضیل (دیگران)
۱۲۸. المَسْرِفینَ (مفرد: المَسْرِف): اسم فاعل (اسراف‌کنندگان)
۱۲۹. خَیْرٌ: اسم تفضیل (بهترین)؛ بعد از «خیر» مضاف‌الیه آمده است - اَوْسَطُ: اسم تفضیل (میانه‌ترین)؛ بعد از آن مضاف‌الیه آمده است
۱۳۰. سُرٌّ: اسم تفضیل (بدترین)؛ بعد از «سُرٌّ» مضاف‌الیه آمده است.

۱۳۱. اكْبَرُ: اسم تفضیل (بزرگ‌ترین)؛ بعد از آن مضاف‌الیه آمده، بنابراین با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. - المَكْتَبَة: اسم مکان (کتابخانه)
۱۳۲. اَعْلَمُ: اسم تفضیل (داناتر)؛ بعد از آن حرف جر آمده، بنابراین با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. - المَطَاعِم (مفرد آن «المَطْعَم»): اسم مکان (رستوران‌ها)
۱۳۳. الذُّنُوبُ الكَبِیْرَةُ: (گناهان بزرگ): الكَبِیْرَةُ: گناهان بزرگ
۱۳۴. ذَكَرَ عُیُوبَ الآخرینَ بِكَلَامٍ حَفِیٍّ: (ذکر عیب‌های دیگران با سخن پنهانی): العَیْبَةُ: غیبت کردن
۱۳۵. مُحَاوَلَةٌ قَبِیْحَةٌ لِکَشْفِ اسرارِ الآخرینَ: (تلاشی زشت برای کشف رازهای دیگران): التَّجَسُّسُ: جاسوسی کردن
۱۳۶. الَّذِی لَیْسَ حَیًّا: (کسی که زنده نیست): المِیْتُ: مرده
۱۳۷. اِتِّهَمَ شَخْصًا لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِیلٍ مُنطِقِیٍّ: (تهمت زدن شخصی به شخصی دیگر بدون دلیل منطقی): سوء الظَّن: بدگمانی
۱۳۸. اتَّذَمَّ عَلَی الخَطَايا وَ السَّعِی لِتَعْوِیضِهَا: (پشیمانی بر خطاها و تلاش به جبران آن‌ها): التَّوْبَةُ: توبه کردن
۱۳۹. الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَةَ مِنْ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش می‌پذیرد): اللّهُ: خداوند
۱۴۰. تَسْمِیَةُ الآخرینَ بِالْأَسْمَاءِ القَبِیْحَةِ: (نامیدن دیگران با نام‌های زشت): الاستِهْزاء: ریشخند کردن

درک مطلب

ای کسانی که ایمان آوردید، نباید مردمانی، مردمانی دیگر را مسخره کنید، شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید. ای کسانی که ایمان آوردید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید همانا برخی از گمان‌ها گناه است و [در کار یکدیگر] جاسوسی نکنید و غیبت همدیگر را نکنید، آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادرش را که مرده، بخورد؛ پس آن را ناپسند داشتید.

۱۴۱. غیبت به چه چیزی تشبیه می‌شود؟ تَشَبَهَ الغَیْبَةُ بِأَكْلِ لَحْمِ الأَخِ المِیْتِ: (غیبت به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه می‌شود).
۱۴۲. چرا باید از گمان دوری کنیم؟ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِنْمَ: (زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است).

۱۴۳. آیا ریشخند کردن دیگران جایز است؟ چرا؟ لا، لا یجوزُ: عَسَى الآخرُونَ أنْ یكونوا خَیْرًا مِنَّا: (نه، جایز نیست. شاید دیگران بهتر از ما باشند).
۱۴۴. ترجمه «لا تلمزوا» و «أَنْ یَأْكُلَ» در این متن چیست؟ لا تلمزوا: عیب نگیرید - أَنْ یَأْكُلَ: که بخورد

۱۴۵. أَنَا بِخَیْرٍ: (من خوبم)
۱۴۶. عُمَرُی سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا: (سَنَم شازده سال است. شازده ساله‌ام).
۱۴۷. إِسْمِی مُحَمَّدٌ: (اسم من محمد است).
۱۴۸. أَنَا مِنْ مَدِیْنَةِ نَورٍ: (من از شهر نور هستم).
۱۴۹. كَمْ صَارَ المَبْلَغُ؟ أعطیني بَعْدَ التَّخْفِیضِ تَسْعِینَ أَلْفَ تَومانٍ: (چقدر شد؟ بعد از تخفیف نود هزار تومان به من بده).
۱۵۰. أیُّ ألوانٍ عِنْدَكُم؟ عِنْدَنَا كُلُّ لَوْنٍ: (چه رنگ‌هایی دارید؟ هر رنگی داریم).
۱۵۱. بِكَمْ تَومانٍ هَذِهِ الفِساتِینَ؟ تَبَدُّ الأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سِتِّینَ أَلْفًا إِلَى تَسْعِینَ أَلْفَ تَومانٍ: (این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟ قیمت‌ها از شصت و پنج هزار شروع می‌شود تا نود هزار تومان).